

نظرات استدلالی شورای نگهبان

عنوان

طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری
جمهوری اسلامی ایران

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۹۶

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴



شناسنامه

عنوان:

نظرات استدلالی شورای نگهبان

**طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری
جمهوری اسلامی ایران**

تدوین:

محمدبرزگر خسروی

ناظر علمی:

کاظم کوهی

گروه تدوین

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۹۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری
جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب

۴.....	مقدمه
۵.....	مرحله اول بررسی
۵.....	بررسی ماده ۱
۷.....	بررسی ماده ۲
۸.....	بررسی ماده ۳
۱۲.....	بررسی ماده ۴
۲۱.....	بررسی ماده ۵
۲۳.....	بررسی ماده ۶
۲۵.....	بررسی ماده ۷
۲۶.....	بررسی ماده ۱۲
۲۷.....	بررسی ماده ۱۵
۲۸.....	بررسی ماده ۱۷
۳۰.....	بررسی ماده ۱۹
۳۱.....	نظر (مرحله اول) شورای نگهبان
۳۳.....	مرحله دوم بررسی
۳۳.....	بررسی ماده ۱
۳۴.....	بررسی ماده ۲

۳۴ بررسی ماده ۴

۳۶ بررسی ماده ۵

۳۷ بررسی ماده ۶

۳۸ بررسی ماده ۷

۴۰ بررسی ماده ۱۷

۴۰ نظر (نهایی) شورای نگهبان

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی به وسیله شورای نگهبان از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌های دولتی را به دولت واگذار کند که در این صورت اساسنامه‌های مصوب دولت می‌بایست به لحاظ انطباق با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌های دولتی و استفساریه‌ها در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و نظر نهایی شورا ابلاغ می‌گردد. با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت اعلام مبانی و استدلالات شورای نگهبان، گروه تدوین مرکز تحقیقات، با همکاری اداره تدوین دفتر امور حقوقی شورای نگهبان، اقدام به استخراج استدلالات و مبانی نظری آراء این شورا نموده است. کارشناسان این مرکز، با مطالعه دقیق متن مذاکرات شورای نگهبان - که از سوی معاونت اجرایی ضبط و پیاده‌سازی می‌شود - استدلالات و ظرایف مورد نظر اعضاء را استخراج نموده، و با حفظ اصالت، آنها را در قالب یک متن علمی به جامعه حقوقی کشور ارائه می‌نمایند. یقیناً انتشار مبانی اظهارنظرهای شورای نگهبان، موجب آشنایی هرچه بیشتر جامعه علمی و نهادهای تقنینی و اجرایی کشور با فعالیت‌های این شورای حساس و تأثیرگذار شده و همچنین می‌تواند به عنوان متون درسی و پژوهشی در محافل دانشگاهی و حوزوی مورد استفاده قرار گیرد.

مرحله اول بررسی

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۱/۹/۲۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۱/۱۰/۶

بررسی ماده ۱

ماده ۱- ماده (۳)^(۱) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳- وزارت کشور موظف است چهار ماه قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، مقدمات اجرای انتخابات را فراهم آورد و با رعایت اصل یکصد و نوزدهم (۱۱۹) و یکصد و سی و یکم (۱۳۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند.

الف - دیدگاه مغایرت

- طبق اصل ۱۳۱ قانون اساسی، در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری یا... شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. بر این اساس، در صورت تحقق شرایط مندرج در اصل مزبور، شورای موضوع این اصل، مسئول برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است. قید عبارت «با رعایت اصول ۱۱۹ و ۱۳۱ قانون اساسی» حالت خاص مزبور را استثناء نمی‌کند؛ چرا که صرفاً الزام به رعایت اصول ۱۱۹ و ۱۳۱ قانون اساسی کرده و برگزاری توسط وزارت کشور را نفی نمی‌کند. تنها در صورتی ایراد منتفی می‌شود که به جای عبارت «با رعایت» از عبارت «به استثنای» استفاده شود.

۱. ماده ۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «وزارت کشور موظف است سه ماه قبل از پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری مقدمات اجرای انتخابات دوره بعد را فراهم و با رعایت اصول ۱۱۹ و ۱۳۱ قانون اساسی مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند.»

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به اینکه تاریخ برگزاری انتخابات با توافق میان وزارت کشور و شورای نگهبان مشخص می‌شود، مفاد ماده بیانگر یک قضیه حقیقیه است لذا تاریخ برگزاری انتخابات مشخص می‌شود و در عمل می‌توان مفاد این ماده را اجرا نمود؛ بنابراین، عبارت «چهار ماه قبل از برگزاری انتخابات» مذکور در این ماده، ابهام ندارد.

- اصل ۱۳۱ قانون اساسی مقرر کرده است شورای سه نفره «موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود» این عبارت لزوماً دلالت بر برگزاری انتخابات توسط شورا ندارد و تنها دلالت بر لزوم فراهم نمودن مقدمات انتخابات می‌کند که این ماده مغایرتی با آن ندارد.

- اصل ۱۳۱ قانون اساسی در مقام بیان یک حالت استثنایی است و در این ماده نیز تصریح شده است «با رعایت اصول ۱۱۹ و ۱۳۱ قانون اساسی» لذا در موارد استثنایی مانند وضعیت مقرر در اصل ۱۳۱، همان شورای مذکور در اصل، مسئول برگزاری انتخابات می‌باشد.

- اجرای اصل ۱۳۱ قانون اساسی در خصوص موضوع این ماده مفهوم و یا موضوعیت ندارد زیرا در وضعیت اصل ۱۳۱، امکان فراهم کردن مقدمات انتخابات، چهار ماه قبل از برگزاری انتخابات معنا و مفهوم ندارد لذا مغایرت این ماده با اصل ۱۳۱ قانون اساسی موضوعاً منتفی است.

ج - دیدگاه ابهام

- در ماده ۳ سابق، عبارت «سه ماه قبل از پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری» آمده بود که این تاریخ مشخص بود لکن در این طرح، آن عبارت را به «چهار ماه قبل از برگزاری انتخابات» تبدیل کرده‌اند. از آنجا که تاریخ دقیق برگزاری انتخابات (روز انتخابات) ریاست جمهوری، از قبل مشخص نیست، در عمل نمی‌توان مفاد این ماده را اجرا کرد. به بیان دیگر، تاریخ چهار ماه قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، نامشخص و مبهم است و در نتیجه نمی‌توان مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت‌نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم رساند.

د - تصمیم شورا

تذکر: به نظر می رسد مفاد این مصوبه، «در غیر موارد اصل ۱۳۱ قانون اساسی» است که باید اصلاح شود.

بررسی ماده ۲

ماده ۲ - در ماده (۱۹) قانون^(۱)، بعد از کلمه شناسنامه عبارت «و کارت ملی» اضافه می گردد.

الف - دیدگاه مغایرت

- با توجه به اینکه بسیاری از مردم کارت ملی ندارند و دولت تاکنون به آنها کارت ملی نداده است، حکم این ماده مبنی بر الزام به ارائه شناسنامه و کارت ملی توأم با یکدیگر برای رای دادن، منجر به محروم کردن بخشی از مردم از حق مشارکت سیاسی (حق رای دادن) و عدم تحقق مشارکت حداکثری می شود و این امر با اصل ۱۱۴ قانون اساسی مغایرت دارد.

- جلوگیری از تقلب، دلیل قانع کننده برای الزامی کردن ارائه کارت ملی نیست زیرا کارت ملی را نیز می توان مانند شناسنامه جعل کرد و به وسیله آن مرتکب تخلف انتخاباتی شد.

- اگر ماده ارائه «کد ملی» را جهت ثبت در سیستم رایانه ای الزام کرده بود، ایرادی داشت، زیرا همه مردم دارای کد ملی هستند. اما با توجه به اینکه بخشی از مردم فاقد کارت ملی هستند، منوط کردن مشارکت مردم به ارائه کارت ملی مغایر با حق آنان بر مشارکت در انتخابات است.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- از آنجا که وزارت کشور در شرف یکی کردن شناسنامه و کارت ملی و ارائه

۱. ماده ۱۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «در هر مرحله انتخاباتی هر شخص واجد شرایط می تواند فقط یک بار با ارائه شناسنامه خود رأی دهد. تبصره - رأی دهندگان در خارج از کشور در صورت همراه نداشتن شناسنامه می توانند با ارائه گذرنامه معتبر ایرانی، رأی دهند.»

کارت هوشمند است، در سال های آتی این دو مدرک شناسایی یکی می شوند که باید جهت احراز هویت ارائه شود، در نتیجه حکم این ماده در عمل موجب کاهش مشارکت مردمی نمی شود.

- کارت ملی قابل تقلب کردن نیست فلذا با الزام به ارائه کارت ملی دیگر نمی توان با جعل شناسنامه جدید یا پاک کردن مهر انتخابات، دوبار رای داد. به علاوه، تعداد زیادی شناسنامه سرگردان و جعلی داریم که با الزام به ارائه کارت ملی می توان از تقلب وسیع جلوگیری کرد.

- از آنجا که ابهام مطرح شده در خصوص این ماده، ایجاد ایراد یا مغایرت با قانون اساسی نمی کند لذا اعلام ابهام، وجهی ندارد.

ج - دیدگاه ابهام

- این حکم واجد ابهام است زیرا طبق تبصره ماده ۱۹ قانون، رای دهندگان در خارج از کشور، در صورت همراه نداشتن شناسنامه می توانند با گذرنامه معتبر ایرانی رای دهند و با این حکم مشخص نیست که آیا عبارت «و کارت ملی» اضافه شده به صدر این ماده، مشمول تبصره نیز می گردد یا خیر. هر چند ماده شامل تبصره آن نیز می شود لیکن اضافه شدن عبارت «و کارت ملی» پس از شناسنامه در تبصره فاقد مفهوم و معنای مشخصی است لذا ماده ۲ این طرح، ابهام دارد.

د - تصمیم شورا

با اصلاح به عمل آمده در این ماده، تبصره این ماده از این جهت که مشخص نیست آیا گذرنامه جایگزین هر دو مدرک یعنی شناسنامه و کارت ملی می شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

بررسی ماده ۳

ماده ۳- ماده (۲۲) قانون^(۱) به شرح ذیل اصلاح می گردد:

۱. ماده ۲۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «در صورتی که همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات دیگری نیز برگزار گردد، به دستور



ماده ۲۲- انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا همزمان برگزار می‌گردد و وزارت کشور موظف است تمهیدات لازم برای انتخابات شوراهای را نیز فراهم نماید و چنانچه همزمان انتخابات دیگری نیز برگزار گردد، در هر شعبه ثبت نام و اخذ رأی با اعضای واحد، صندوق‌های مجزا برای هر انتخابات در نظر بگیرد.

تبصره- در صورتی که در اثر موجبات مذکور در اصل یکصد و سی و یکم (۱۳۱) قانون اساسی دوره ریاست جمهوری قبل از چهار سال به پایان برسد، مجلس جهت همزمان شدن انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا با انتخابات ریاست جمهوری از طریق توقف یا تمدید دوره شوراهای اسلامی در چهارچوب قانون اساسی تصمیم‌گیری خواهد کرد.

الف - دیدگاه مغایرت

- صدر ماده مبنی بر برگزاری همزمان دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری و دوره پنجم انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، پیش‌تر در قانونی تحت عنوان «قانون تجمیع انتخابات دوره پنجم شوراهای اسلامی با دوره یازدهم ریاست جمهوری» به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.^(۱) بر اساس این مصوبه مجمع، دوره نمایندگی اعضای شوراهای دوره چهارم طولانی‌تر از چهار سال

وزارت کشور، یک شعبه ثبت نام و اخذ رأی با اعضای واحد و با صندوق‌های مجزا برای هر دو انتخابات در نظر گرفته خواهد شد.

۱. گفتنی است علت تصویب این قانون در مجمع تشخیص مصلحت نظام، به سابقه این مصوبه و اختلاف نظر شورای نگهبان با مجلس در طرح ابتدایی این مصوبه برمی‌گردد. طرح ابتدایی این قانون، تحت عنوان «طرح یک فوریتی تجمیع انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی با دوره دهم ریاست جمهوری» پس از تصویب در مجلس، در شورای نگهبان مغایر با اصول (۶۳) و (۱۱۴) قانون اساسی تشخیص داده شده بود (نظر شماره ۸۵/۳۰/۲۰۳۷۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۸) که با اصرار مجلس، در راستای اصل ۱۱۲ برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و نهایتاً از باب مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۸ به تصویب مجمع رسید. (لازم به ذکر است با توجه به مفاد مصوبه نهایی که در مجمع تشخیص مصلحت به تصویب رسید، مجلس شورای اسلامی عنوان این مصوبه را در هنگام ابلاغ قانون تغییر داد و این مصوبه با عنوان «قانون تجمیع انتخابات دوره پنجم شوراهای اسلامی با دوره یازدهم ریاست جمهوری» منتشر شد.)

می‌شد؛ لیکن هم‌اینک در تبصره مصوبه کنونی مجلس، حکم جدیدی مبنی بر امکان توقف دوره شوراهای اسلامی به مجلس اعطا شده که مغایر با اصل ۱۰۶ قانون اساسی و تجاوز از مصوبه مجمع است؛ زیرا بر اساس مفاد صدر اصل ۱۰۶، انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی، ممکن نیست؛ حال آنکه با حکم این تبصره، موارد توقف ادامه فعالیت شوراها که در حقیقت به معنای انحلال شوراها است، توسعه یافته و در صورت تحقق شرایط مندرج در تبصره، امکان انحلال شوراها بر اساس تشخیص مجلس نیز امکان‌پذیر شده است، ضمن آنکه این توسعه، در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز وجود نداشته است.

- انتخاب نمایندگان از سوی مردم همانند عقد وکالت است که باید طول مدت نمایندگی در آن مشخص و منجز باشد. بر این اساس، از آنجا که مردم در انتخابات شوراها بر اساس مقررات قانون عادی نمایندگان خویش در شوراهای اسلامی را برای مدت چهار سال انتخاب کرده‌اند، حکم مقرر در این تبصره ناظر بر امکان توقف شوراها پیش از گذشت چهار سال، مغایر با موازین شرعی است؛ به ویژه آنکه در اجرای این تبصره، امکان عطف بماسبق و تسری به دوره فعلی شوراها نیز وجود دارد و مجلس ممکن است بر خلاف قانون عادی جاری، این تبصره را در همین دوره از انتخابات شوراها اجرا و حکم به توقف پیش از موعد فعالیت شوراها کند، حال آنکه قانون، اصولاً برای آینده است و قابل تسری به گذشته نیست. لذا پیش‌بینی توقف شوراها در تبصره، به دلیل نادیده انگاشتن رأی مردم و قصد مردم در تعیین مهلت نمایندگی در شوراهای اسلامی با موازین اسلامی در خصوص تعیین مدت وکالت وکیل توسط موکل در عقد وکالت و یا لزوم منجز بودن مدت عقد در تغایر است. این ایراد در خصوص این دوره که مردم پیش‌تر از تصویب این قانون، نمایندگان شوراهای اسلامی را انتخاب کرده‌اند واردتر است.

- بر اساس اصل ۱۳۱ و اصل ۱۰۶ قانون اساسی، تنها در صورت وجود یک مصلحت بزرگ می‌توان در میانه یک دوره انتخاباتی، انتخابات مجددی را برگزار کرد. موارد وجود این مصلحت بزرگ نیز به طور حصری در اصول ۱۳۱ و ۱۰۶ به ترتیب برای ریاست جمهوری و شوراها برشمرده شده است؛ برای انتخابات ریاست جمهوری، صرفاً با تحقق یکی از موجبات مذکور در اصل ۱۳۱ (فوت، عزل، استعفا،

غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و عدم انتخاب رئیس جمهور جدید به رغم پایان مدت ریاست جمهوری) امکان برگزاری انتخابات مجدد وجود دارد و در مورد شوراها بر اساس اصل ۱۰۶، صرفاً در صورت انحراف از وظایف قانونی امکان انحلال و برگزاری انتخابات مجدد وجود دارد. بنابراین، حکم مقرر در این تبصره، به دلیل توسعه اصل ۱۰۶، مغایر با قانون اساسی است.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- انحلال شورا با توقف شورا متفاوت است و از آنجا که در اصول ناظر بر شوراها در قانون اساسی؛ از جمله اصل ۱۰۶، مدت نمایندگی اعضای شوراهای اسلامی تعیین نشده است، بلکه تعیین این مدت به قانون عادی محول شده است، ایرادی به این مصوبه مجلس وارد نیست. توضیح آنکه مجلس در قانون عادی^(۱)، مدت نمایندگی اعضای شوراهای اسلامی را چهار سال تعیین کرده است و حال با این مصوبه خویش، مصوبه قبلی خویش را در فرض تحقق شرایط تبصره، مقید کرده و احتمال کاهش یا افزایش آن را با قانون مجلس امکان‌پذیر دانسته است. بدین جهت، بر اساس این ماده، مجلس خود، در شرایطی این مدت را تغییر می‌دهد.

- بر اساس مفاد تبصره این ماده، از این پس ممکن است در شرایط و وضعیتی خاص با تصویب مجلس، ادامه فعالیت شوراها متوقف شود. این ماده، مغایرتی با قانون اساسی و موازین شرعی ندارد؛ زیرا طبق قانون اساسی، مردم نمایندگان شوراهای اسلامی را بر اساس مقررات برای مدت زمانی که قانون عادی مشخص کرده و می‌کند، انتخاب می‌کنند. لذا مردم از ابتدا نمایندگان خویش در شوراها را به مدت ثابت مشخصی انتخاب نکرده‌اند، بلکه آنها را به مدتی که قانون عادی تعیین می‌کند، انتخاب می‌کنند که در اینجا قانون عادی، مدت چهار سال را برای شرایط عادی و در

۱. ماده ۳ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحی ۱۳۸۲/۷/۶: «دوره فعالیت شوراهای روستا و شهر از تاریخ تشکیل، چهار سال می‌باشد که از نهم اردیبهشت‌ماه، سالروز فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (علیه الرحمه) مبنی بر تشکیل شوراها شروع و در هشتم اردیبهشت‌ماه چهار سال بعد خاتمه می‌یابد. تبصره- انتخابات شوراهای روستا و شهر باید به صورتی برگزار شود که حداقل پانزده روز قبل از نهم اردیبهشت‌ماه، اعضای شوراها مشخص شده باشند.»

وضعیت خاص مقرر در تبصره، بیش یا کمتر از چهار سال را تعیین کرده است. به عبارت دیگر، تبصره این ماده، مدت چهار سال نمایندگی شوراهای را تخصیص زده است؛ در نتیجه این امر مغایرتی با اصول قانون اساسی و موازین شرعی ندارد.

- بر اساس اصول مندرج در فصل هفتم قانون اساسی، چگونگی تشکیل شوراهای بر اساس قانون عادی تعیین می‌شود. با توجه به اینکه چگونگی تشکیل شوراهای، شامل شروع و پایان دوره نمایندگی اعضای شورا و نحوه توقف و شروع مجدد شوراهای نیز می‌شود، هر آنچه که مجلس در این زمینه به تصویب برساند، مغایرتی با اصول قانون اساسی ندارد.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د - تصمیم شورا

این ماده، با نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داده نشد.

بررسی ماده ۴

ماده ۴- ماده (۳۱)^(۱) قانون به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

ماده ۳۱- وزارت کشور مجری برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است و زیر نظر هیأت اجرائی مرکزی انتخابات با ترکیب اعضای ذیل اقدام می‌نماید:

۱- وزیر کشور (به عنوان رئیس هیأت)

۲- یکی از اعضای هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی با انتخاب مجلس (بدون

حق رأی)

۳- دادستان کل کشور

۱. ماده ۳۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «وزارت کشور مأمور اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری بوده و مسئول صحت جریان انتخابات است و بدین منظور می‌تواند مأمورانی جهت بازرسی و کنترل جریان انتخابات به طور ثابت و یا سیار به شهرستانها و بخشها و شعب ثبت نام و اخذ رأی اعزام دارد.»

۴- وزیر اطلاعات

۵- تعداد هفت نفر از شخصیت‌های دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان معتمدان مردمی به ترتیب مقرر در تبصره‌های (۱) و (۲) این ماده تبصره ۱- وزیر کشور حداقل چهار ماه قبل از روز برگزاری انتخابات، سی نفر از شخصیت‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور را به هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات معرفی می‌نماید و با رعایت تبصره (۲) این ماده پس از تأیید هیأت مرکزی نظارت حداکثر ظرف یک هفته جلسه‌ای با حضور حداقل دو سوم معتمدان مذکور تشکیل می‌دهد که ضمن آن هفت نفر معتمدان موضوع بند (۵) با رأی مخفی و اکثریت نسبی به عنوان عضو اصلی و چهار نفر عضو علی‌البدل به ترتیب آراء انتخاب شوند.

تبصره ۲- چنانچه هیأت مرکزی نظارت به هر دلیلی کل یا تعدادی از معتمدان پیشنهادی را تأیید نمود؛ وزیر کشور موظف است به تعداد دو برابر مورد نیاز، افراد واجد شرایط دیگری را به هیأت مرکزی نظارت پیشنهاد نماید. هیأت مرکزی نظارت حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را کتباً اعلام می‌نماید. در هر صورت نظر هیأت مرکزی نظارت برای وزیر کشور لازم‌الاتباع است.

تبصره ۳- هیچ یک از اعضای هیأت اجرائی مرکزی انتخابات نباید نامزد انتخابات ریاست جمهوری باشند.

تبصره ۴- اولین جلسه با دعوت وزیر کشور تشکیل می‌شود و دبیر ستاد انتخابات کشور به پیشنهاد وزیر کشور و تأیید هیأت اجرائی مرکزی انتخاب می‌گردد. مسئولیت دبیری هیأت اجرائی مرکزی نیز بر عهده دبیر ستاد انتخابات است.

تبصره ۵- نایب رئیس هیأت اجرائی مرکزی انتخابات با رأی اکثریت و از بین اعضای هیأت انتخاب می‌شود.

تبصره ۶- تصمیمات هیأت اجرائی مرکزی انتخابات نباید موجب تداخل در وظایف و اختیارات نظارتی شورای نگهبان در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری گردد؛ در غیر این صورت تصمیمات مذکور، باطل و هرگونه اقدامی در این جهت ممنوع است.

تبصره ۷- جلسه هیأت اجرائی مرکزی انتخابات با حضور نه نفر رسمیت می‌یابد و

مصوبات آن با رعایت تبصره (۶) این ماده با رأی حداقل هفت نفر از اعضاء قابل اجراء است.

تبصره ۸ - نتیجه شمارش آراء انتخابات ریاست جمهوری پس از تأیید هیأت اجرائی به وسیله وزیر کشور اعلام می‌شود و تأیید نهائی صحت انتخابات بر عهده شورای نگهبان است.

تبصره ۹ - هیأت اجرائی مرکزی انتخابات وظایف ستاد انتخابات کشور را در چهارچوب قوانین و مقررات مشخص می‌کند.

تبصره ۱۰ - وزارت کشور با تصویب هیأت اجرائی مرکزی انتخابات می‌تواند مأمورانی برای بازرسی و کنترل جریان انتخابات به طور ثابت یا سیار به شهرستان‌ها، بخش‌ها و شعب ثبت نام و اخذ رأی اعزام کند.

الف - دیدگاه مغایرت

- از آنجا که ماهیت برگزاری انتخابات و وظایف هیأت اجرایی مرکزی انتخابات، اجرایی است حضور دادستان و معتمد محلی در آن هیأت، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی است؛ چه آنکه مطابق این اصل، اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً بر عهده رهبری است، از طریق رئیس جمهور و وزیران می‌باشد.

- حضور دادستان در هیأت اجرایی انتخابات شهرستان، توجیه کننده عدم مغایرت حضور دادستان در هیأت اجرایی مرکزی انتخابات نیست؛ زیرا این امر (حضور دادستان در هیأت اجرایی انتخابات شهرستان) نیز مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی است و در آن هیأت نیز نباید دادستان عضو باشد.

- حضور دادستان در هیأت اجرایی انتخابات شهرستان از جنبه‌ای دیگر نیز نمی‌تواند توجیه کننده عدم مغایرت حضور دادستان در هیأت اجرایی مرکزی انتخابات باشد؛ زیرا در هیأت اجرایی انتخابات شهرستان برخلاف هیأت اجرایی مرکزی انتخابات، دادستان از وزیر کشور حکم می‌گیرد و تابع وی می‌باشد. به بیان دیگر، حضور دادستان در هیأت اجرایی انتخابات شهرستان، در راستای اجرای قسمتی از مفاد اصل ۶۰؛ یعنی «از طریق رئیس جمهور و وزیران» پذیرفتنی است؛ زیرا وزیر کشور به دادستان حکم داده و به عبارتی، وی را در راستای اعمال صلاحیتش در امر اجرایی انتخابات، کارگزار خویش کرده است. این امر با توجه به عدم ضرورت اعمال

صلاحیت‌های قوه مجریه از سوی رئیس جمهور و وزرا به صورت مستقیم و بالمباشره بدون اشکال است. همین توجیه در خصوص حضور معتمدان در هیأت اجرایی مرکزی انتخابات نیز وجود دارد.

- در قوانین سابق (پیش از انقلاب)، دادستان از طریق وزیر دادگستری تعیین می‌شد لذا تابع دولت بود، اما در حال حاضر که دادستانی تابع قوه قضائیه است، حضور دادستان در هیأت اجرایی مرکزی انتخابات که وظایف اجرایی دارد؛ از یک سو خلاف اصل ۶۰ قانون اساسی و از سوی دیگر، خلاف اصل استقلال قوا مذکور در ذیل اصل ۵۷ قانون اساسی می‌باشد.

- این ماده در مقام اجرای ذیل اصل ۱۱۶ قانون اساسی که بیان می‌دارد «نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند» نیست و قانون مصوب مجلس نمی‌تواند مغایر قانون اساسی باشد. امور کلان یا اجرایی است یا قضایی یا تقنینی و خارج از این سه قسم نداریم. بنابراین، شکی نیست که انتخابات و برگزاری آن امری اجرایی است و قضایی و تقنینی نیست.

- هر چند اصل انتخابات امری حاکمیتی است، اما اجرای انتخابات و برگزاری آن امری اجرایی است. کاری که بر عهده هیأت اجرایی مرکزی انتخابات گذارده شده نیز در حیطه امور اجرایی است؛ لذا دخالت دادن افرادی خارج از قوه مجریه در این هیأت همچون دادستان و معتمدان محلی مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی است و استناد به اصل ۱۱۶ قانون اساسی نیز دلیل توجیهی مناسبی برای دخالت این افراد نیست.

- با توجه به مفاد تبصره (۱)، معتمدان مذکور در این ماده، پس از تأیید هیأت مرکزی نظارت به عنوان «معمد مردمی» محسوب می‌شوند؛ لذا از مفهوم این تبصره نمی‌توان برداشت کرد که معتمد بودن به معنای واقعی کلمه (و نه معنای عرفی آن) برای این افراد شرط است. بر این اساس، با مشروط نبودن وی‌ژگی وثاقت در این افراد، مفاد این تبصره مغایر با موازین شرع ناظر بر لزوم واگذاری امانت و مسئولیت به افراد قابل اعتماد و امین می‌باشد.

- در تبصره (۶)، با توجه به ظهور مصوبه ناظر بر امکان تداخل تصمیمات هیأت اجرایی مرکزی انتخابات با صلاحیت‌های نظارتی شورای نگهبان از یک سو و اکتفای صرف به ابطال خود به خودی تصمیمات هیأت‌های اجرایی، بدون تصریح به مرجع

تشخیص این تداخل و مرجع فصل الخطاب برای اعلام بطلان تصمیمات از سوی دیگر، مغایر با اصل ۹۹ قانون اساسی ناظر بر صلاحیت عام نظارتی شورای نگهبان بر انتخابات است؛ چه آنکه این عدم تصریح، در عمل ممکن است باعث مناقشه گردد و روند برگزاری صحیح و سالم انتخابات را با چالش مواجه سازد.

- در تبصره (۸)، استفاده از عبارت «پس از تأیید هیأت اجرایی» برای اعلام نتایج انتخابات موجب می‌شود که تأیید اولیه اعلام نتایج توسط هیأت اجرایی به معنای تأیید صحت انتخابات که وفق قانون اساسی تشخیص بر عهده شورای است، تلقی شود. لذا می‌بایست در این تبصره از واژه دیگری استفاده شود تا به معنای تأیید صحت انتخابات تلقی نشود و الا با وظایف و اختیارات شورای نگهبان در خصوص نظارت بر سلامت انتخابات، مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی تداخل و مغایرت دارد.

- به کار بردن عبارت «تأیید» در تبصره (۸) برای کاری که هیأت اجرایی مرکزی قرار است انجام دهد، نمی‌تواند به معنای «تأیید اعلام نتیجه انتخابات» باشد؛ چه آنکه خود اعلام یک چیز که نیازمند تأیید نیست، بلکه آنچه تأیید می‌شود، روند و فرایند یک امر است که در گذشته اتفاق افتاده است. بنابراین، منظور از این عبارت آن است که هیأت اجرایی به منزله یک مرجع صلاحیتدار بدوی، نتیجه انتخابات و فرایند آن را تأیید می‌کند و سپس شورای نگهبان، به عنوان مرجع صلاحیتدار نهایی، این نتیجه را رد یا تأیید می‌کند. به کارگیری عبارت «تأیید نهایی» در جمله آخر این تبصره برای شورای نگهبان، مؤید این معنا است. بر این اساس، به طور کلی این مصوبه مغایر با اصل ۹۹ قانون اساسی است؛ چه آنکه این اصل، صرفاً شورای نگهبان را به عنوان تنها مرجع اعلام صحت یا بطلان انتخابات معین کرده و هیچ مرجع دیگری را در این زمینه مسئول قرار نداده است. وزارت کشور و هیأت‌های اجرایی نیز صرفاً گزارش‌کننده نتیجه شمارش آرای انتخابات تلقی می‌شوند.

- در تبصره (۹)، تعیین وظایف ستاد انتخابات کشور می‌بایست یا به موجب قانون مصوب مجلس و یا به موجب مصوبه هیأت وزیران صورت گیرد. هیأت اجرایی مرکزی انتخابات با توجه به اعضایش حق تعیین وظایف برای ستاد انتخابات کشور را ندارد و مصوبات آن برای ستاد انتخابات کشور الزام‌آور نیست و تنها نقش هماهنگ‌کننده در امور اجرایی انتخابات را دارد. وظایفی که این هیأت برای ستاد انتخابات

کشور مشخص می‌کند یا جنبهٔ تقنینی دارد یا جنبهٔ آیین‌نامه‌ای؛ در صورت اول، مفاد این تبصره مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی مبنی بر صلاحیت مجلس در قانون‌گذاری و غیرقابل واگذاری بودن این صلاحیت به غیر دارد و در صورت دوم، این تبصره با اصل ۱۳۸ قانون اساسی مبنی بر صلاحیت هیأت دولت در وضع مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی مغایرت دارد.

- در تبصره (۱۰)، وزیر کشور تنها با تصویب هیأت اجرایی مرکزی انتخابات می‌تواند مأمورانی برای بازرسی و کنترل جریان انتخابات اعزام کند که این امر (منوط شدن اقدام وزیر به موافقت هیأت اجرایی) مغایر وظایف و اختیارات وزیر کشور و به تبع مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی می‌باشد؛ زیرا بر اساس اصل ۶۰، اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا می‌باشد؛ حال آنکه در این تبصره اعمال صلاحیت وزیر کشور در بخشی از حوزه وظایف اجرایی‌اش، منوط به تصویب نهادی دیگر شده است. بنابراین این تبصره به دلیل محدود کردن اختیارات اجرایی وزیر کشور مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی است.

- با حکم مقرر در تبصره (۱۰)، ماده (۳۱) سابق اصلاح شده است. حکم این تبصره نیز تنها تعیین طریق نیست، بلکه در عمل منتج به تداخل قوا از طریق دخالت کارگزاران دیگر قوای عضو در هیأت اجرایی مرکزی در قوه اجرایی می‌شود. از این جهت، این تبصره مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی نیز می‌باشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- از آنجا که در هیأت اجرایی انتخابات شهرستان، دادستان عضو است، عضویت دادستان در هیأت اجرایی مرکزی انتخابات نیز مغایرتی با اصل ۶۰ قانون اساسی ندارد؛ عدم مغایرت حضور دادستان در هیأت اجرایی انتخابات شهرستان با توجه به تأیید آن توسط شورای نگهبان، قرینه‌ای بر عدم مغایرت حضور وی در هیأت اجرایی مرکزی انتخابات می‌باشد.

- دادن حکم به دادستان توسط وزیر کشور به معنای سلب عضویت دادستان در قوه قضائیه نیست؛ لذا این امر توجیه‌گر تابع قوه مجریه بودن دادستان و جزء قوه مجریه قرار گرفتن وی نیست؛ بنابراین تفاوتی میان صحت حضور دادستان در هیأت اجرایی مرکزی انتخابات و صحت حضور دادستان در هیأت اجرایی انتخابات

شهرستان وجود ندارد. در اجرای اصل ۶۰ که مقرر نموده است «از طریق»، این طریق نیز باید توسط کارمندان قوه مجریه صورت گیرد.

- جنس انتخابات و برگزاری آن، ماهیت اجرایی نداشته و در نتیجه ضرورتی به انجام توسط دولت ندارد؛ لذا مجلس به عنوان قانون‌گذار می‌تواند حکم نماید که مثلاً مجلس انتخابات را برگزار نماید.

- طبق ذیل اصل ۱۱۶ قانون اساسی، «نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند». این به معنای آن است که قانون‌گذار برای نحوه اجرای انتخابات ریاست جمهوری قانون وضع می‌کند و در آن قانون، افرادی را به عنوان برگزار کننده انتخابات معین می‌کند. این چیزی غیر از کار اجرایی مصطلح است که بر عهده دستگاه‌های اجرایی دولتی است. بر این اساس، در راستای مفاد همین اصل، مجلس شورای اسلامی درصدد تعیین نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری در قالب این مصوبه برآمده است. به بیان دیگر، اساساً وضع قانون انتخابات ریاست جمهوری در مقام تعیین افراد مجری انتخابات نیست؛ بنابراین دارای ماهیت غیراجرایی است و نه تنها مغایرتی با قانون اساسی ندارد، بلکه در مقام اجرای ذیل اصل ۱۱۶ قابل ارزیابی است.

- انتخابات یک امر حاکمیتی است که اعم از کار تقنین و اجرا و قضا می‌باشد. بر این اساس، با آنکه امر انتخابات با هر سه حوزه تقنین، اجرا و قضا ارتباط دارد، لیکن به هیچ کدام از این حوزه‌ها نیز منحصر و محدود نمی‌شود؛ لذا نمی‌توان آن را صرفاً کاری اجرایی به معنای مصطلح دانست. توجه به قوانین سایر کشورها در این زمینه نیز نشان می‌دهد که انتخابات و برگزاری آن امری حاکمیتی است که در آن تمام قوای کشور، به اضافه نهادهای مدنی تأثیرگذار و دخیل هستند؛ لذا حضور افرادی خارج از قوه مجریه در هیأت اجرایی مرکزی انتخابات به معنای نقض قانون اساسی نیست.

- آنچه از قانون اساسی کشور ما و برخی دیگر از نظام‌های سیاسی برداشت می‌شود، صرف نظر از مبانی آن، این است که همه امور برای مردم است و توسط خود مردم هم اجرا می‌شود. حتی در اصل ۵۹ قانون اساسی، امکان واگذاری امر تقنین به طور مستقیم به خود مردم هم پیش‌بینی شده است. در امر انتخابات نیز به دلیل اهمیت آن، قانون‌گذار در راستای افزایش اعتماد عمومی مقرر کرده که خود مردم برگزار کننده

انتخابات باشند. واگذاری این امر، غیر از واگذاری امور پشتیبانی انتخابات است که جنس اجرایی دارد و باید توسط قوه مجریه صورت گیرد. به همین جهت، در قوانین انتخابات، هیأت‌های اجرایی انتخابات متشکل از معتمدان محلی پیش‌بینی و ایجاد شده است. حتی در هیأت‌های نظارت شورای نگهبان بر انتخابات نیز اعضای هیأت‌ها را همین مردم عادی و معتمدان محلی تشکیل می‌دهند که ممکن است برخی سِمَت دولتی داشته و برخی اصلاً کارمند دولت نباشند. بنابراین، برگزاری انتخابات از جنس اجرا به مفهومی که در ذهن‌ها هست، نمی‌باشد و رویه سابق نیز مؤید این نظر است.

- با توجه به بند (۵) ماده، شکی نیست که معتمدان مقرر در تبصره (۱) که از سوی وزیر کشور انتخاب می‌شوند باید موثق و قابل اعتماد و به عبارت دیگر معتمد به معنای واقعی کلمه باشند؛ نه اینکه معتمد به معنای رایج در عرف مردم (کسی که صرفاً در میان مردم شناخته شده و معروف است) باشد؛ چه آنکه در بند (۵) تصریح می‌کند که اعضای این هیأت باید «شخصیت دینی» باشند که این نشان می‌دهد این افراد باید «معتمد دینی» باشند؛ یعنی موثق و قابل اعتماد باشند.

- استفاده از عبارت «پس از تأیید هیأت اجرائی» در تبصره (۸)، پیش از عبارت «تأیید نهایی صحت انتخابات بر عهده شورای نگهبان است»، ابهام ندارد؛ زیرا به معنای تأیید اولیه نتیجه شمارش آراء انتخابات است و به منزله تأیید نهایی صحت انتخابات که وظیفه شورای نگهبان است، نمی‌باشد و الا اساساً ذکر جمله انتهایی تبصره، لغو بود. لذا این حکم با وظایف این شورا تداخل نداشته و در نتیجه با اصل ۹۹ قانون اساسی نیز مغایر نیست. فلسفه حکم مقرر در این تبصره، ایجاد یک مرحله نظارت بر اعلام نتایج شمارش آراء انتخابات است تا وزارت کشور که ممکن است ذینفع در نتیجه انتخابات باشد، به تنهایی حق اعلام نتایج را نداشته باشد.

- حکم مقرر در تبصره (۹) مبنی بر واگذاری تعیین وظایف ستاد انتخابات کشور به هیأت اجرایی مرکزی، به معنای تجویز قانون‌گذاری برای هیأت اجرایی نیست؛ چه آنکه به صراحت در این تبصره قید شده که این هیأت «در چهارچوب قوانین و مقررات» وظایف ستاد انتخابات کشور را تعیین کند؛ لذا مغایرتی با اصل ۸۵ قانون اساسی ندارد.

- از آنجا که در این مصوبه، هیأت اجرایی مرکزی انتخابات تعریف شده و این

هیأت در امور اجرایی انتخابات مداخله داده شده، بنابراین مقید کردن وزیر کشور در اعزام مأمور بازرسی و کنترل جریان انتخابات به تصویب هیأت اجرایی مرکزی در تبصره (۱۰)، ایرادی ندارد؛ چه آنکه هم‌اینک، کل مجموعه هیأت اجرایی مرکزی و وزیر کشور، مسئولیت برگزاری انتخابات را برعهده دارند، نه وزیر کشور به تنهایی.

ج - دیدگاه ابهام

- مشخص نیست منظور از «معمدان» مذکور در تبصره (۱) چیست؟ آیا منظور معتمد مردم بودن به معنای عرفی آن است یا منظور معتمد بودن به معنای واقعی کلمه؛ یعنی موثق و قابل اعتماد بودن است.

- در تبصره (۸)، از دو واژه تأیید استفاده شده است که مشخص نیست که آیا این دو تأیید، از یک جنس و ماهیت است یا خیر؟ به عبارت دیگر، مشخص نیست که در عبارت «پس از تأیید هیأت اجرائی»، منظور تأیید صحت انتخابات است یا تأیید اعلام نتایج شمارش آرا؟ با توجه به اینکه از واژه «تأیید»، برداشت حق نظارتی برای هیأت اجرایی در خصوص صحت مراحل برگزاری انتخابات می‌شود، حدود اعمال این نظارت با صلاحیت نظارتی شورای نگهبان بر کلیه مراحل انتخابات ریاست جمهوری ابهام دارد.

د - تصمیم شورا

- در تبصره (۱)، معتمدین مذکور باید واجد شرایط مذکور در تبصره (۳) ماده ۳۹^(۱) باشند و الا اشکال دارد.

- در تبصره (۶)، باید قید شود مرجع تشخیص این امر، شورای نگهبان است و الا مغایر اصل ۹۹ قانون اساسی می‌باشد.

- در تبصره (۸)، با توجه به عبارت «تأیید نهائی صحت انتخابات بر عهده شورای نگهبان است»، عبارت «پس از تأیید هیأت اجرائی» ابهام تداخل با وظایف این شورا را

۱. تبصره (۳) ماده ۳۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «معمدین این ماده، باید دارای ایمان و التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل مؤثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروه‌های غیر قانونی نباشند.»

دارد، بنابراین تبصره مرقوم باید اصلاح گردد.
 - در تبصره (۹)، مشخص نمودن وظایف ستاد انتخابات کشور، از حدود وظایف و اختیارات هیأت اجرایی مرکزی انتخابات خارج است.
 - تبصره (۱۰)، از حیث محدود کردن اختیارات وزیر کشور، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

بررسی ماده ۵

ماده ۵- ماده (۳۳) قانون^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:
 الف- در بند (۱۱) بعد از عبارت «اخذ رأی» عبارت «اعم از مجریان یا ناظران» اضافه می‌شود.
 ب- تبصره ماده (۳۳) قانون به عنوان تبصره (۱) اصلاح و یک تبصره به شرح ذیل به عنوان تبصره (۲) به این ماده الحاق می‌شود:
 تبصره ۲- هیأت‌های اجرائی و نظارت موظفند در صورت اطلاع از ارتکاب هر یک از جرائم فوق، موضوع را برای رسیدگی به مرجع قضائی ذی صلاح اعلام نمایند. موضوع باید بلافاصله توسط دادستان حوزه مربوطه رسیدگی شود.

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

۱. ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «ارتکاب امور ذیل جرم محسوب می‌شود:

...

۱۱- توصیه به انتخاب کاندیدای معین از طرف اعضای شعبه اخذ رأی یا هر فرد دیگر محل صندوق رأی، به رأی دهنده.

...

تبصره- چنانچه وقوع جرایم مندرج در ماده فوق موجب گردد که جریان انتخابات در یک یا چند شعبه ثبت نام و اخذ رأی از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه کلی انتخابات مؤثر باشد، مراتب وسیله وزارت کشور به منظور طرح در شورای نگهبان به هیأت مرکزی نظارت اعلام می‌گردد.»

- تبصره (۲) متعزّض موضوعات نحوه رسیدگی نشده است و در این خصوص قوانین مصوب مانند قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب حاکم است؛ همچنین دادستان به عنوان یک نهاد وابسته به قوه قضائیه، مرجع صالح جهت رسیدگی است؛ لذا این تبصره نیاز به اصلاح عبارتی ندارد.

ج - دیدگاه ابهام

- در ذیل تبصره (۲) موضوع بند (ب) این ماده مشخص نیست که آیا دادستان حکم ماهیتی نیز صادر می‌کند یا خیر؛ به عبارت دیگر، مشخص نیست آیا مراد از موظف کردن دادستان به «رسیدگی»، تعیین وظیفه‌ای خاص در اینجا برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی است یا اینکه مراد همان وظیفه‌عام دادستان در دنبال کردن موضوع و ارجاع امر به مقام صالح قضایی برای رسیدگی ماهوی است. این شبهه و ابهام در تبصره، علاوه بر آنکه ناشی از عدم دقت در به‌کارگیری واژگان است، به دلیل نحوه جمله‌بندی عبارت و ذکر خاص («موضوع باید بلافاصله توسط دادستان حوزه مربوطه رسیدگی شود») بعد از عام («هیأت‌های اجرائی و نظارت موظفند... موضوع را برای رسیدگی به مرجع قضائی ذیصلاح اعلام نمایند») نیز هست؛ چه آنکه در جمله ابتدایی (عام) بیان کرده که این موضوع باید برای رسیدگی به مرجع قضائی صالح اعلام شود، اما در جمله بعد با نام بردن یکی از مقامات قضایی، وی را به طور خاص، مسئول رسیدگی فوری به موضوع کرده است. از این حیث، نحوه جمله‌بندی این تبصره، موهم این معنا است که کلی رسیدگی قضایی، در انتهای تبصره، به دادستان به طور خاص، تطبیق شده است و در نتیجه، صلاحیت خاص و ویژه‌ای در این تبصره به دادستان اعطا شده است. این تبصره باید اصلاح شود به این صورت که «به مرجع ذیصلاح قضایی اعلام می‌کند و مرجع مذکور موظف است رسیدگی کند». همچنین مشخص نیست که اگر موضوع شکایت از دادستان باشد، دادستان چکار باید بکند؛ و نیز مشخص نیست که شخص دادستان باید خودش شخصاً رسیدگی کند یا می‌تواند به بازپرس نیز ارجاع دهد.

د - تصمیم شورا

بند (ب) ماده ۵ دارای اشکال عبارتی است و باید اصلاح شود.

بررسی ماده ۶

ماده ۶- ماده (۳۴) قانون^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۴- قوه قضائیه یکی از شعب دادرها و دادگاه‌های موجود در هر حوزه قضائی را به منظور رسیدگی خارج از نوبت به تخلفات و جرائم انتخاباتی اختصاص می‌دهد.

تبصره ۱- به تخلفات و جرائمی که به وسیله نامزدها صورت می‌گیرد، پس از برگزاری انتخابات، در شعبه رسیدگی به تخلفات و جرائم انتخاباتی در تهران رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲- تشکیلات قضائی هر شهرستان یا بخش به منظور پیشگیری از وقوع جرم، ضمن هماهنگی با ناظران شورای نگهبان و هیأت‌های اجرایی، اقدامات لازم را در محدوده قوانین و مقررات مربوطه، معمول می‌دارد.

الف - دیدگاه مغایرت

- حکم مقرر در تبصره (۲) قوه قضائیه را ملزم کرده است جهت پیشگیری از جرم با ناظران شورای نگهبان و هیأت‌های اجرایی هماهنگی نماید، حال آنکه پیشگیری از وقوع جرم، وفق بند (۵) اصل ۱۵۶ از وظایف ذاتی قوه قضائیه است و نیازی به هماهنگی با دیگر دستگاه‌ها ندارد. از این رو، این تبصره از جهت تحدید قوه قضائیه در اعمال وظایف خویش (مندرج در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی)، با قانون اساسی مغایرت دارد.

- حکم کلی مندرج در تبصره (۲)، به گونه‌ای است امکان دخالت دستگاه قضائی در صلاحیت نظارتی شورای نگهبان را فراهم می‌کند. از این رو، مغایر با اصل ۹۹ قانون اساسی در خصوص صلاحیت انحصاری شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات است.

۱. ماده ۳۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «تشکیلات قضائی هر شهرستان یا بخش به منظور پیشگیری از وقوع جرم، ضمن هماهنگی با ناظرین شورای نگهبان و هیأت اجرایی، اقدامات لازم را در محدوده مقررات معمول می‌دارد.»

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به بند (۵) اصل ۱۵۶ قانون اساسی، «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» از جمله وظایف قوه قضائیه است. بر این اساس، حکم مقرر در تبصره (۲)، در جهت اجرایی کردن این وظیفه قوه قضائیه و تسهیل انجام آن، مقرر کرده که تشکیلات قضایی در محدوده قوانین و مقررات با هماهنگی ناظران شورای نگهبان و هیأت‌های اجرایی عمل کند. بدین لحاظ با توجه به قوانین و مقررات موجود، هیچ ایراد و ابهامی در این خصوص وجود ندارد.

- با توجه به اینکه حکم مقرر در تبصره (۲)، حکمی است که در ماده ۳۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۶۴ نیز وجود داشته و شورای نگهبان آن را از جهت اینکه تعیین طریق برای اعمال وظایف قوه قضائیه است، مغایر قانون اساسی تشخیص نداده بود. بدین لحاظ، این تبصره مغایرتی با اصل ۱۵۶ قانون اساسی ندارد.

ج - دیدگاه ابهام

- از آنجا که در نظام دادرسی جمهوری اسلامی، به معنای دقیق کلمه، واحدی به نام «شعب دادرسی» وجود ندارد، بلکه شعب بازپرسی یا دادیاری وجود دارد؛ لذا باید صدر ماده ۳۴ اصلاح شود.

- حکم مقرر در تبصره (۲)، به لحاظ کلی بودن، اجمال و ابهام مفهومی دارد و به همین دلیل مشخص نیست که آیا انجام اقدامات معمول توسط تشکیلات قضایی، باعث مداخله در صلاحیت‌های نظارتی شورای نگهبان می‌شود یا خیر؟

- با توجه به صدر ماده ۳۴ که در مقام رسیدگی به تخلفات و جرایم انتخاباتی است، تبصره (۲) نیز باید در مورد رسیدگی به جرایم انتخاباتی باشد، اما این تبصره در خصوص پیشگیری از جرم است و مشخص نیست که قوه قضائیه در این خصوص دقیقاً چه وظایف و اختیاراتی دارد؛ لذا از این حیث ابهام دارد.

د - تصمیم شورا

- ماده ۶ دارای اشکال عبارتی است و باید اصلاح گردد.
- تبصره (۲) ماده ۶ از جهات مختلف واجد ابهام است، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

بررسی ماده ۷

ماده ۷- ماده (۳۸) قانون^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف- بعد از عبارت «ثبت احوال»، عبارت «رئیس دادگستری» اضافه می‌شود و به جای عبارت «نماینده وی» عبارت «نمایندگان رئیس دادگستری و دادستان» جایگزین می‌گردد و عبارت «هشت نفر» به عبارت «نه نفر» اصلاح می‌شود.

ب- در تبصره (۲) بعد از کلمه «حضور» عبارت «رئیس دادگستری و» الحاق می‌گردد.

الف - دیدگاه مغایرت

- از آنجا که مبنای حضور نمایندگان رئیس دادگستری و دادستان در هیأت‌های اجرایی، کشف جرم و رسیدگی به جرایم و تخلفات است؛ لذا می‌بایست تنها نمایندگان قضایی آنها در هیأت اجرایی انتخابات حاضر شوند. بنابراین اطلاق عبارت «نمایندگان رئیس دادگستری و دادستان» در بند (الف) که شامل نماینده غیرقضایی و کارمندان اداری دادگستری نیز می‌شود مغایر فلسفه عضویت آنها و اصل ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

۱. ماده ۳۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «بالافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزیر کشور، فرماندار دستور تشکیل هیأت‌های اجرایی را به بخشداران صادر نموده و موظف است ظرف سه روز هیأت اجرایی انتخابات شهرستان را به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وی و ۸ نفر از معتمدین تشکیل دهد. تبصره ۱- در شهرستان و بخش‌هایی که شورای اسلامی شهرستان یا بخش تشکیل شده است، یک نفر از اعضای شورا به انتخاب شورا، یکی از ۸ نفر معتمدین مذکور خواهد بود. تبصره ۲- در صورت حضور دادستان در محل، نامبرده مکلف است شخصاً در جلسات هیأت اجرایی شرکت نماید.»

د - تصمیم شورا

در بند (الف) ماده ۷، اطلاق واژه «نمایندگان» از این جهت که نمایندگان غیرقضایی را هم در بر می‌گیرد، اشکال دارد.

بررسی ماده ۱۲

ماده ۱۲- عبارت زیر به انتهای حکم ماده (۶۱)^(۱) قانون الحاق می‌شود:
 «و عمل متخلف برای تشخیص جرم بودن و رسیدگی مقتضی به دادستانی حوزه مربوطه گزارش می‌شود.»

الف - دیدگاه مغایرت

- با توجه به اینکه هر کس می‌تواند از عملکرد اعضای هیأت‌های نظارت به دادگاه صالح شکایت نماید، الزام شورای نگهبان نسبت به ارسال گزارش به دادستانی وجهی ندارد؛ زیرا شورای نگهبان در صورت وارد دانستن گزارش واصله مبنی بر تخلف اعضای هیأت‌های نظارت، آنها را عزل می‌نماید و در صورت جرم تشخیص دادن عمل، آن را بر اساس عموماًت قوانین جاری، برای رسیدگی به قوه قضائیه گزارش می‌کند. بنابراین، الزام شورای نگهبان در خصوص گزارش کلیه موارد به دادگستری برای تشخیص جرم بودن یا نبودن عمل، وجهی ندارد و چنین تکلیفی برای شورای نگهبان در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

۱. ماده ۶۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «در مواردی که طبق گزارشات و شکایات و اعتراضات واصله برای شورای نگهبان معلوم گردد که اعضای هیأت‌های نظارت از قوانین و مقررات تخلف نموده‌اند، شورای نگهبان موظف است آنها را بلافاصله عزل و افراد دیگری را جایگزین نماید.»

۵- تصمیم شورا

ماده ۱۲ از حیث الزام شورای نگهبان به گزارش امر به دادستانی اشکال دارد.

بررسی ماده ۱۵

ماده ۱۵- ماده (۶۴) قانون^(۱) به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

ماده ۷۴- چنانچه به تشخیص کمیسیون بررسی تبلیغات، برنامه‌های تبلیغاتی ضبط شده نامزدها در صدا و سیما دربرگیرنده مطالب توهین‌آمیز یا هتک حرمت سایر نامزدها یا دیگر افراد و یا مغایر با قوانین باشد، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف به حذف آن مطالب است و در صورتی که ضمن پخش برنامه زنده‌ای موارد مذکور از سوی هر یک از نامزدهای انتخابات یا نماینده آنها واقع شود، سازمان موظف است با تشخیص کمیسیون بررسی تبلیغات به میزان مناسب و به صورت ضبط شده فرصت احقاق حق بدهد.

الف- دیدگاه مغایرت

- اطلاق عبارت اخیر این ماده مبنی بر حق دفاع قائل شدن برای کلیه افرادی که به آنها توهین شده، خلاف موازین شرع است؛ زیرا بر اساس موازین اسلامی و فتاوی فقها، توهین به هیچ کس جایز نیست، مگر آن که مستحقش باشد. به عبارت دیگر، تحقیر و استخفاف کسی که مستحق آن است، چون سخن خلاف حقی گفته نشده و نسبت ناروایی به کسی وارد نشده است، حق دفاعی هم برای فرد تحقیر شده وجود ندارد.

ب- دیدگاه عدم مغایرت

- اگر نسبت به تحقق افترا و تهمت در برنامه پخش زنده انتخاباتی اطمینان وجود داشته باشد، بر اساس قاعده حرمت اعانه بر ظلم و ظالم^(۲) نباید به مجرم کمک نمود و

۱. ماده ۶۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «برنامه تبلیغاتی رادیو تلویزیونی نامزدها باید ضبط شود.»

۲. بر اساس آیه دوم سوره شریفه مانده که می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا... لا تعاونوا علی الإثم و العداون و اتقوا الله إن الله شدید العقاب: ای کسانی که ایمان آورده‌اید... و (هرگز) در راه گناه و تعدی



اجازه پخش زنده انتخاباتی را داد، لیکن باید اطمینان و یا ظن قوی بر وقوع این اعمال وجود داشته باشد و صرف در مظان بودن کافی نیست، به وی ژه آنکه با توجه به احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری، اصل و فرض بر مؤمن، عادل و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران بودن نامزدها یا نماینده مورد وثوق آنها می‌باشد.

– اگر چنانچه کسی نسبت روایی و به حقی را به دیگری نسبت داد، اصولاً چنین نسبتی، نسبت ناروا و اهانت محسوب نمی‌شود تا نوبت به حق دفاع وی و استحقاق وی بر دفاع از خود برسد؛ لذا اساساً چنین مواردی از موضوع این ماده خارج است و تشخیص این موارد نیز بر عهده کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات است.

ج – دیدگاه ابهام

– نظری ابراز نشد.

د – تصمیم شورا

این ماده، با نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داده نشد.

بررسی ماده ۱۷

ماده ۱۷ – متن ذیل به عنوان تبصره به ماده (۸۵) قانون^(۱) الحاق می‌گردد:

تبصره – چنانچه هر یک از نامزدها در ارائه مدرک خود مرتکب جعل سند یا استفاده از اسناد مجعول یا غیرواقعی گردد، شورای نگهبان در هر مرحله‌ای که چنین امری را احراز نماید، صلاحیت وی را مجدداً بررسی می‌کند.

همکاری ننمایید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است»، حرمت همکاری با ظالم یکی از موازین اسلامی می‌باشد.

۱. ماده ۸۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «مجازات کسی که با اتخاذ سیمت مجعول در انتخابات دخالت کند (موضوع بند ۱۷ ماده ۳۳) تا ۵۰ ضربه شلاق خواهد بود و هرگاه مرتکب، سندی هم در این باره جعل نموده باشد، مجازات جعل و تزویر را خواهد داشت و چنانچه دخالت وی مؤثر در سرنوشت انتخابات باشد و مسیر انتخابات یک بخش و یا یک شهرستان و یا یک استان را بر هم بزند، مرتکب از یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.»

الف- دیدگاه مغایرت

- با توجه به اصل ۹۹ قانون اساسی که نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را بر عهده شورای نگهبان گذاشته است، الزام مقرر در این مصوبه از سوی مجلس برای شورای نگهبان در تکلیف به بررسی مجدد صلاحیت نامزدها، دخالت مجلس در امر نظارت شورا محسوب می‌شود و از این جهت، مغایر با قانون اساسی است. توضیح آنکه، با توجه به صلاحیت عام و انحصاری شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات، تشخیص بررسی مجدد صلاحیت نامزدها نیز در حیطه صلاحیت‌های نظارتی شورای نگهبان است و مجلس نمی‌تواند با وضع قانون عادی، چنین تکلیفی را بر خلاف اصل ۹۹ قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان قرار دهد.

ب- دیدگاه عدم مغایرت

- این مصوبه در مقام بیان «اختیار» شورای نگهبان در بررسی مجدد صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری است و جمله آخر آن، دلالت بر الزام ندارد، بلکه به معنای «می‌تواند» می‌باشد. از این حیث، این مصوبه در حقیقت بیان دیگری از وظیفه ذاتی شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات و بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی است.

- از آنجا که طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت بر انتخابات و از جمله بررسی صلاحیت نامزدها، در تمامی مراحل انتخابات از وظایف شورای نگهبان است، این مصوبه در مقام تکرار این اصل و عین تکلیف مقرر برای شورای نگهبان در قانون اساسی می‌باشد؛ لذا مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

ج- دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د- تصمیم شورا

با توجه به اینکه بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی که نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است، الزام این شورا مغایر اصل مذکور شناخته شد.

بررسی ماده ۱۹

ماده ۱۹- ماده (۹۱) قانون^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۹۱- مجازات تخلف از ماده (۷۴)^(۲)، تعطیل نشریه یا سایت خبری یا مرکز ارسال پیامک و شبکه‌های مجازی از یک تا سه ماه است و نویسنده مقاله در صورتی که نویسنده مشخص باشد یا مدیر نشریه یا سایت خبری یا مرکز ارسال پیامک و شبکه‌های مجازی در صورتی که نویسنده مشخص نباشد، به شلاق تا هفتاد و چهار ضربه محکوم می‌گردد.

الف- دیدگاه مغایرت

- این ماده از مدیر نشریه یا سایت خبری یا مرکز ارسال پیامک و شبکه‌های مجازی در صورتی که نویسنده مشخص باشد، به طور کلی سلب مسئولیت کیفری کرده است و صرفاً نویسنده را مسئول دانسته است؛ این امر با توجه به مسئولیت مدیران مسئول نشریات در بررسی محتوای مطالب منتشره و به تبع آن، فرض مطلع بودن مدیر از مفاد مطلب و غیرقانونی بودن آن، خلاف موازین شرعی است؛ چه آنکه

۱. ماده ۹۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «مجازات تخلف از ماده ۷۴، تعطیل نشریه از یک تا سه ماه خواهد بود و نویسنده مقاله (در صورتی که معلوم باشد) و مدیر نشریه (در صورتی که نویسنده مشخص نباشد) تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و همچنین کسی که از طریق غیر مطبوعات اعمال فوق را مرتکب شود، به مجازات تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

۲. ماده ۷۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «مطبوعات و نشریات حق ندارند از سه روز قبل از اخذ رأی، آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند و یا مطالبی بنویسند که دال بر انصراف گروه یا اشخاصی از نامزدهای معین باشد و در هر صورت نامزدها حق دارند پاسخ خود را ظرف ۱۸ ساعت پس از انتشار به وسیله وزارت کشور به روزنامه مزبور بدهند و روزنامه مکلف به چاپ فوری آن قبل از ممنوعیت طبق قانون مطبوعات می‌باشد. در صورتی که آن نشریه قبل از ساعات ممنوعیت تبلیغاتی منتشر نشود، مسئول آن باید با هزینه خود پاسخ نامزد را به روزنامه یا مجله‌ای که در غیر مدت ممنوعیت چاپ می‌شود ارسال دارد و آن نشریه مکلف به درج آن در اولین چاپ و نشریه خواهد بود. انتشار آن گونه مطالب در غیر مطبوعات نیز در مدت سه روز قبل از روز اخذ رأی ممنوع است و نامزد معترض حق دارد در زمان قبل از ممنوعیت تبلیغات، نظر خود را منتشر نماید.»

مدیران مسئول نشریات و سایت‌های خبری نیز باید در قبال مسئولیتی که در این رسانه‌ها دارند، از انتشار مطالب خلاف واقع و گمراه‌کننده در انتخابات جلوگیری کنند و در صورت انتشار، به جهت مسئولیت رسانه‌ای خویش، پاسخگو و مسئول باشند.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د- تصمیم شورا

نفی مسئولیت از مدیر در صورتی که نویسنده مشخص باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

نظر (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

- ۱- با اصلاح به عمل آمده در ماده ۲ موضوع اصلاح ماده ۱۹، تبصره این ماده از این جهت که مشخص نیست آیا گذرنامه جایگزین هر دو مدرک یعنی شناسنامه و کارت ملی می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ۲- در تبصره (۱) ماده ۴ موضوع اصلاح ماده ۳۱، معتمدین مذکور باید واجد شرایط مذکور در تبصره (۳) ماده ۳۹ باشند و آلا اشکال دارد.
- ۳- در تبصره (۶) ماده ۴ موضوع اصلاح ماده ۳۱، باید قید شود مرجع تشخیص این امر، شورای نگهبان است و آلا مغایر اصل ۹۹ قانون اساسی می‌باشد.
- ۴- در تبصره (۸) ماده ۴ موضوع اصلاح ماده ۳۱، با توجه به عبارت «تأیید نهائی صحت انتخابات بر عهده شورای نگهبان است»، عبارت «پس از تأیید هیأت اجرایی» ابهام تداخل با وظایف این شورا را دارد، بنابراین تبصره مرقوم باید اصلاح گردد.

۱. مندرج در نامه شماره ۹۱/۳۰/۴۸۹۹۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

- ۵- در تبصره (۹) ماده ۴ موضوع اصلاح ماده ۳۱، مشخص نمودن وظایف ستاد انتخابات کشور، از حدود وظایف و اختیارات هیأت اجرایی مرکزی انتخابات خارج است.
- ۶- تبصره (۱۰) ماده ۴ موضوع اصلاح ماده ۳۱، از حیث محدود کردن اختیارات وزیر کشور، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۷- تبصره (۲) ماده ۶ موضوع اصلاح ماده ۳۴، از جهات مختلف واجد ابهام است، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ۸- در بند (الف) ماده ۷ موضوع اصلاح ماده ۳۸، اطلاق واژه «نمایندگان» از این جهت که نمایندگان غیر قضایی را هم در بر می‌گیرد، اشکال دارد.
- ۹- ماده ۱۲ موضوع اصلاح ماده ۶۱، از حیث الزام شورای نگهبان به گزارش امر به دادستانی اشکال دارد.
- ۱۰- در ماده ۱۷ موضوع اصلاح ماده ۸۵، با توجه به اینکه بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی که نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است، الزام این شورا مغایر اصل مذکور شناخته شد.
- ۱۱- در ماده ۱۹ موضوع اصلاح ماده ۹۱، نفی مسئولیت از مدیر در صورتی که نویسنده مشخص باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.
- تذکرات:
- ۱- در ماده ۱ موضوع اصلاح ماده ۳، به نظر می‌رسد منظور در غیر موارد اصل ۱۳۱ قانون اساسی است که باید اصلاح گردد.
- ۲- بند (ب) ماده ۵ موضوع الحاق تبصره (۲) به ماده ۳۳، دارای اشکال عبارتی است و باید اصلاح گردد.
- ۳- ماده ۶ موضوع اصلاح ماده ۳۴، دارای اشکال عبارتی است و باید اصلاح گردد.

مرحله دوم بررسی

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۱/۱۰/۲۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۱/۱۱/۴

بررسی ماده ۱

ماده ۱- ماده (۳) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳- وزارت کشور در غیر موارد اصل یکصد و سی و یکم (۱۳۱) قانون اساسی موظف است حداقل پنج ماه قبل از پایان دوره چهار ساله ریاست جمهوری مقدمات اجرای انتخابات را فراهم آورد و با رعایت اصل یکصد و نوزدهم (۱۱۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند.

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به اصلاح به عمل آمده (خارج کردن موارد اصل ۱۳۱ قانون اساسی از مفاد مصوبه)، تذکر اصلاحی شورای نگهبان برطرف شده است. اصلاحات دیگر مجلس در متن مصوبه (تغییر مدت زمان تمهید برگزاری انتخابات ریاست جمهوری) نیز مغایرتی با قانون اساسی و موازین شرعی ندارد.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح صورت گرفته در ماده ۳، ایراد شورای نگهبان برطرف شده است.

بررسی ماده ۲

ماده ۲- در ماده (۱۹) قانون و تبصره آن بعد از کلمه «شناسنامه» عبارت «و کارت ملی» اضافه می‌گردد.

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به اصلاح به عمل آمده (منضم کردن شناسنامه به کارت ملی در تبصره)، ابهام پیشین شورای نگهبان در خصوص جایگزین شدن گذرنامه به جای هر دو مدرک شناسنامه و کارت ملی یا جایگزینی به جای یکی از آنها برطرف شده است.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د - تصمیم شورا

با توجه به اصلاحات صورت گرفته، ایراد مورد نظر شورای نگهبان مرتفع شده است.

بررسی ماده ۴

ماده ۴- ماده (۳۱) قانون به شرح ذیل اصلاح و ماده (۱۸) حذف می‌گردد:

ماده ۳۱- وزارت کشور مجری برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است و زیر نظر هیأت اجرائی مرکزی انتخابات با ترکیب اعضای ذیل اقدام می‌نماید:

- ۱- وزیر کشور (به عنوان رئیس هیأت)
- ۲- یکی از اعضای هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی با انتخاب مجلس (بدون حق رأی)
- ۳- دادستان کل کشور
- ۴- وزیر اطلاعات
- ۵- تعداد هفت نفر از شخصیت‌های دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان

معتمدان مردمی به ترتیب مقرر در تبصره‌های (۱) و (۲) این ماده تبصره ۱- وزیر کشور حداقل پنج ماه قبل از پایان دوره چهار ساله ریاست جمهوری، سی نفر از شخصیت‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور را که دارای صلاحیت‌های مندرج در تبصره (۳) ماده (۳۹) این قانون باشند به عنوان معتمد به هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات معرفی می‌نماید و با رعایت تبصره (۲) این ماده پس از تأیید هیأت مرکزی نظارت حداکثر ظرف یک هفته جلسه‌ای با حضور حداقل دوسوم معتمدان مذکور تشکیل می‌دهد که ضمن آن هفت نفر معتمدان موضوع بند (۵) با رأی مخفی و اکثریت نسبی به عنوان عضو اصلی و چهار نفر عضو علی‌البدل به ترتیب آراء انتخاب شوند.

تبصره ۲- چنانچه هیأت مرکزی نظارت به هر دلیلی کل یا تعدادی از معتمدان پیشنهادی را تأیید ننمود؛ وزیر کشور موظف است به تعداد دو برابر مورد نیاز، افراد واجد شرایط دیگری را به هیأت مرکزی نظارت پیشنهاد نماید. هیأت مرکزی نظارت حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را کتباً اعلام می‌نماید. در هر صورت نظر هیأت مرکزی نظارت برای وزیر کشور لازم‌الاتباع است.

تبصره ۳- هیچ یک از اعضای هیأت اجرائی مرکزی انتخابات نباید نامزد انتخابات ریاست جمهوری باشند.

تبصره ۴- اولین جلسه با دعوت وزیر کشور تشکیل می‌شود و دبیر ستاد انتخابات کشور به پیشنهاد وزیر کشور و تأیید هیأت اجرائی مرکزی انتخاب می‌گردد. مسئولیت دبیری هیأت اجرائی مرکزی نیز بر عهده دبیر ستاد انتخابات است.

تبصره ۵- نایب رئیس هیأت اجرائی مرکزی انتخابات با رأی اکثریت و از بین اعضای هیأت انتخاب می‌شود.

تبصره ۶- تصمیمات هیأت اجرائی مرکزی انتخابات نباید موجب تداخل در وظایف و اختیارات نظارتی شورای نگهبان در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری گردد؛ در غیر این صورت تصمیمات مذکور، باطل و هرگونه اقدامی در این جهت ممنوع است. مرجع تشخیص موضوع این تبصره، شورای نگهبان است.

تبصره ۷- جلسه هیأت اجرائی مرکزی انتخابات با حضور نه نفر رسمیت می‌یابد و مصوبات آن با رعایت تبصره (۶) این ماده با رأی حداقل هفت نفر از اعضاء قابل

اجراء است.

تبصره ۸ - نتیجه شمارش آراء انتخابات ریاست جمهوری پس از وصول گزارش هیأت اجرائی مرکزی به وسیله وزیر کشور اعلام می‌شود و تأیید نهائی صحت انتخابات بر عهده شورای نگهبان است.

تبصره ۹ - وزارت کشور با اطلاع هیأت اجرائی مرکزی انتخابات می‌تواند مأمورانی برای بازرسی و کنترل جریان انتخابات به طور ثابت یا سیار به شهرستان‌ها، بخش‌ها و شعب ثبت نام و اخذ رأی اعزام کند.

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به اصلاحات به عمل آمده در مصوبه (مقیّد شدن مفاد تبصره یک در خصوص معتمدان مردمی به داشتن شرایط مصرّح در تبصره ۳؛ مشخص کردن مرجع تشخیص برای اجرای مفاد تبصره ۶؛ رفع ابهام از صلاحیت هیأت اجرایی در تبصره ۸؛ حذف مفاد تبصره ۹؛ و رفع محدودیت از اختیارات وزیر کشور در تبصره ۱۰ سابق) کلیه ایرادها و اشکال‌های شورای نگهبان برطرف شده است.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د - تصمیم شورا

با توجه به اصلاحات صورت گرفته، کلیه ایرادهای شورای نگهبان در خصوص ماده ۴ و تبصره‌های آن برطرف شده است.

بررسی ماده ۵

ماده ۵ - ماده (۳۳) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف - در بند (۱۱) بعد از عبارت «اخذ رأی» عبارت «اعم از مجریان یا ناظران» اضافه می‌شود.

ب - تبصره ماده (۳۳) قانون به عنوان تبصره (۱) اصلاح و یک تبصره به شرح ذیل

به عنوان تبصره (۲) به این ماده الحاق می‌شود:

تبصره ۲- هیأت‌های اجرائی و نظارت موظفند در صورت اطلاع از ارتکاب هر یک از جرائم فوق، موضوع را برای رسیدگی به مرجع قضائی ذیصلاح اعلام نمایند. موضوع باید بلافاصله توسط دادستان حوزه مربوطه رسیدگی شود.

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به اصلاح به عمل آمده در مجلس، تذکر شورای نگهبان نسبت به ایراد عبارتی موجود در متن بند (ب) برطرف شده است.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح صورت گرفته، تذکر اصلاحی شورای نگهبان اعمال شده است.

بررسی ماده ۶

ماده ۶- ماده (۳۴) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۴- قوه قضائیه یکی از شعب موجود در هر حوزه قضائی را به منظور رسیدگی خارج از نوبت به تخلفات و جرائم انتخاباتی اختصاص می‌دهد.

تبصره ۱- به تخلفات و جرائمی که به وسیله نامزدها صورت می‌گیرد پس از برگزاری انتخابات، در شعبه رسیدگی به تخلفات و جرائم انتخاباتی در تهران رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲- تشکیلات قضائی هر شهرستان یا بخش به منظور پیشگیری از وقوع جرم، اقدامات لازم را در محدوده قوانین و مقررات مربوطه، معمول می‌دارد.

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به حذف عبارت «دادسراها و دادگاهها» از سطر اول ماده ۳۴ و حذف عبارت «ضمن هماهنگی با ناظران شورای نگهبان و هیأت‌های اجرائی» از تبصره (۲)، اشکال عبارتی ماده ۳۴ و همچنین ابهام موجود در تبصره (۲) در خصوص تداخل صلاحیت نظارتی شورای نگهبان با وظیفه پیشگیری از جرم قوه قضائیه، برطرف شده است.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د - تصمیم شورا

با توجه به اصلاحات صورت گرفته، ایراد و ابهام شورای نگهبان در خصوص ماده ۶ مصوبه (ماده ۳۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری) برطرف شده است.

بررسی ماده ۷

ماده ۷- ماده (۳۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف- بعد از عبارت «ثبت احوال»، عبارت «رئیس دادگستری» اضافه می‌شود و به جای عبارت «نماینده وی» عبارت «نمایندگان رئیس دادگستری و دادستان که دارای پایه قضائی می‌باشند» جایگزین می‌گردد و عبارت «هشت نفر» به عبارت «نه نفر» اصلاح می‌شود.

ب- در تبصره (۲) بعد از کلمه «حضور» عبارت «رئیس دادگستری و» الحاق می‌گردد.

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به اضافه شدن عبارت «که دارای پایه قضائی می‌باشند» در بند (الف) ماده ۳۸ و در نتیجه منحصر شدن نمایندگان دادستان و رئیس دادگستری به افراد دارای سِمَت قضائی، ایراد شورای نگهبان نسبت به امکان معرفی نماینده غیرقاضی در هیأت

اجرایی انتخابات، برطرف شده است.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د - تصمیم شورا

با توجه به اصلاحات صورت گرفته، ایراد شورای نگهبان نسبت به ماده ۷ مصوبه (ماده ۳۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری) برطرف شده است.

[ماده ۱۲ طرح حذف گردید].

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه حذف ماده ۱۲ مصوبه، ایراد شورا موضوعاً منتفی شده است.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح صورت گرفته، ایراد شورای نگهبان برطرف شده است.

[ماده ۱۷ طرح حذف می گردد].

الف - دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب - دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه حذف ماده ۱۷ مصوبه، ایراد شورا موضوعاً منتفی شده است.

ج - دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح صورت گرفته، ایراد شورای نگهبان برطرف شده است.

بررسی ماده ۱۷

ماده ۱۷- ماده (۹۱) قانون به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

ماده ۹۱- مجازات تخلف از ماده (۷۴)، تعطیل نشریه یا سایت خبری یا مرکز ارسال پیامک و شبکه‌های مجازی از یک تا سه ماه است و مدیر نشریه یا سایت خبری یا مرکز ارسال پیامک و شبکه‌های مجازی به شلاق تا هفتاد و چهار ضربه محکوم می‌گردد. در صورت مشخص بودن نویسنده مقاله، این مجازات شامل نویسنده نیز می‌شود.

الف- دیدگاه مغایرت

- نظری ابراز نشد.

ب- دیدگاه عدم مغایرت

- با توجه به اصلاح به عمل آمده در مصوبه (تسری مسئولیت کیفری به مدیر مسئول نشریه یا سایت و...، حتی در فرض مشخص بودن نویسنده)، ایراد شورا نسبت به این ماده برطرف شده است.

ج- دیدگاه ابهام

- نظری ابراز نشد.

د- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح صورت گرفته، ایراد شورای نگهبان نسبت به ماده ۱۷ مصوبه (ماده ۹۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری) برطرف شده است.

نظر (نهایی) شورای نگهبان^(۱)

طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۹۱/۳۰/۴۹۲۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

امام خمینی (ره):

وازشورای محترم نگهبان می خواهم و توصیه می کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود را با افت و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir